



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال پنجم • شماره سوم • پاییز ۱۴۰۱
Quarterly Journal of Moral Studies

Vol. 5, No. 3, Autumn 2022



نقش تبت در عمل اخلاقی از منظر روایات اسلامی

فاطمه علمی راد*

doi: 10.22034/ethics.2023.50666.1590

چکیده

به رغم اهمیت و نقش بی‌بدیل تبت و انگیزه در صحت عبادات، درباره نقش و جایگاه تبت در ارزش اخلاقی عمل، پژوهش کافی و جامعی صورت نگرفته است. اینکه معیار اخلاقی بودن فعل از دیدگاه اسلام و به ویژه روایات، مربوط به خود فعل یا انگیزه آن یا هر دو است، مسئله‌ای درخور توجه و نیازمند پژوهشی جدی و جامع است و البته، میزان و وجه اهمیت هر یک از تبت و فعل در اخلاقی بودن فعل نیز مهم و درخور پژوهش است. در این پژوهش، پس از تبیین مفهوم و ماهیت تبت، با بهره‌گیری از کتب و منابع کتابخانه‌ای، به روش توصیفی - تحلیلی، نقش و تأثیر اخلاقی تبت در فعل در متون روایی و حدیثی واکاوی شده است. تبت و قصد فاعل، از جهتی، مسبوق به بیش و از جهتی محصول‌گرایش‌های فاعل است. از منظر روایات، عملی اخلاقی است که هم از حُسن فعلی برخوردار باشد و هم از حُسن فاعلی. قرآن کریم، نیز بهترین انگیزه برای فعل را رضایت الهی می‌داند. در برخی روایات و احادیث، افزون بر تشکیکی بودن تبت بر برتری تبت بر عمل نیز تأکید و تصریح شده است و البته، برخی روایات نیز بر اصالت تبت دلالت دارند.

کلیدواژه‌ها

تبت، نقش تبت در عمل، عمل اخلاقی، حُسن فعلی، حُسن فاعلی.

* پژوهشگر گروه کلام جامعه المصطفی، (واحد خواهران) مشهد، ایران. | elmirad.f@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۸/۳۱

بدینوسیله از حمایت سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی، در انجام این تحقیق تشکر و قدردانی می‌کنم.

■ علمی راد، فاطمه. (۱۴۰۱). نقش تبت در عمل اخلاقی از منظر روایات اسلامی. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۵(۱۶)،

۵۴-۳۳. doi: 10.22034/ethics.2023.50666.1590

مقدمه

یکی از پرسش‌های پیش‌روی پژوهشگر حوزه فلسفه اخلاق، قصد و انگیزه عمل است و اینکه آیا قصد و انگیزه اعمال و رفتار انسان‌ها تأثیری بر انجام عمل و نحوه عملکرد آنان دارد، پرسشی بنیادین در این زمینه است. به عبارت دیگر، نیت و قصد فاعل چه تأثیر و نقشی در فاعل و چه نقشی در فعل دارد؟ در صورت پذیرش تأثیر، این قصد و نیت باید چه باشد که عمل انجام شده فعل اخلاقی به حساب آمده و شایستگی تحسین داشته باشد؟ بدیهی است که پاسخ مکاتب اخلاقی مختلف به این سؤالات متفاوت است. پاسخ به این پرسش‌ها منوط به بررسی نظریه‌های اخلاقی مختلف است.

این نوشتار بر آن است با تحلیل ماهیت و ابعاد نظری نیت، مسایل مرتبط با آن را به قرآن کریم و میراث روایی ارائه و با رویکرد توصیفی-تحلیلی پاسخ آنها را استنباط کند. واضح و آشکار است که در اسلام حُسن فاعلی مسئله‌ای مهم و قابل توجه است، اما تحلیل نحوه این تأثیر مستلزم بررسی دقیق خود انگیزه و نیت و نیز کارکردهای آن در لابلای متون اسلامی است.

در این زمینه پرسش‌هایی رخ می‌نماید: نیت چیست؟ آیا نیت در زمره افعال انسانی به حساب می‌آید یا چیزی خارج از حوزه افعال بشری است؟ آیا کارکرد نیت و تأثیرگذاری آن تنها درونی است یا تأثیر بیرونی نیز دارد؟ به عبارت دیگر، انگیزه و قصد شخص آیا تنها فاعل را متأثر می‌کند یا اینکه در فعل فاعل نیز تأثیرگذار است؟ کدام انگیزه و نیت، اخلاقی به حساب می‌آید؟ این نوشتار در صدد یافتن پاسخ پرسش‌های پیش‌گفته، از منظر اخلاق اسلامی با تأکید بر آموزه‌های دینی است. توضیح و تبیین رابطه تنگاتنگ و دوسویه نیت و فعل از نگاه قرآن و به ویژه روایات و یافتن انگیزه و قصد مورد تأیید آموزه‌های دینی مد نظر این نوشتار است. در این راستا ابتدا مفهوم و ماهیت نیت را بررسی کرده و سپس به نظریه‌های اخلاقی که قصد و انگیزه فعل را در ارزش اخلاقی آن دخیل می‌دانند اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت. در ادامه، ارزش و اهمیت نیت نسبت به فعل را از دیدگاه قرآن، روایات و اندیشمندان مسلمان تبیین می‌کنیم و سرانجام برخی کارکردها و نتایج حسن نیت از نظر خواهیم گذرانند.

پیشینه پژوهش

تاکید قرآن کریم بر انجام اعمال صالح در جهت تقرب به خداوند متعال و دستیابی به رضایت



الهی (نک: سورة اسراء، آیه ۱۹؛ سورة روم، آیه ۳۸-۳۹؛ سورة حشر، آیه ۸) و نیز روایات وارده از معصومین (ع) درباره نیت و خلوص آن سبب شده است که اندیشمندان مسلمان تا کنون آثار زیادی درباره نیت و ویژگی های آن به ویژه خلوص آن از شائبه شرک و غیر خدا تألیف کنند (برای نمونه، نک: علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۸۵-۲۵۰). این نگاشته ها گاه به صورت مستقل درباره نیت و گاهی بخشی از کتاب های اخلاق عملی و نیز شرح احادیث را به خود اختصاص داده اند.

از دسته اول می توان به کتاب اللمعة الجلیله فی معرفة النية نوشته ابن فهد حلی اشاره کرد. سبک نگارش این کتاب فقه رساله ای است و متشکل از مقدمه ای درباره وجوب نیت و نه باب درباره عبادات مشروط به نیت است.

السعیدان رساله مفصلی درباره نیت با عنوان فی تحقیق قواعد النية نوشته است که بر اساس آنچه خودش می گوید: ابتدا ۱۴ قاعده را درباره نیت ذکر کرده و توضیح داده است و ذیل هر قاعده، به بررسی مسائل متعددی که از نظر شرع اسلام نیت در عمل تأثیر می کند، پرداخته است. الرسالة الفخریة فی معرفة النية از فخرالمحققین نیز از در همین دسته جای می گیرد. از کتاب های دسته دوم می توان از چهل حدیث امام خمینی (ره) یاد کرد.

رویکرد متقدمان در این مسئله دیدگاهی عمدتاً فقهی و اصولی و درباره درستی و نادرستی عبادت مکلفان از جهت تفاوت میان توصیلات و تعبدیات بوده است. پس از مطرح شدن مباحث اخلاقی و شکل گیری مکاتب اخلاقی به ویژه مکتب کانتی، نگارش ها در زمینه نیت با رویکرد فلسفی-اخلاقی انجام گرفت. در نظام اخلاقی اسلام، نیت و انگیزه فاعل از انجام فعل به عنوان معیار اخلاقی بودن از اهمیت ویژه برخوردار است. از این منظر می توان به کتاب های کلمة حول فلسفة الاخلاق به عربی و کتاب فلسفة اخلاق به فارسی از آیه الله مصباح یزدی و کتاب دستور الاخلاق فی القرآن تألیف محمد عبدالله دراز اشاره کرد.

مقالات زیادی نیز از جهات مختلف درباره نیت ناظر به دیدگاه فلسفه اخلاق نگاشته شده است. مقالات زیر از آن جمله اند:

در مقاله «جایگاه نیت در تفاوت بنیادین فقه و اخلاق (با تأکید بر آیات و روایات)»^۱ نیت، از منظر عاملی برای جداسازی موضوع دو علم فقه و اخلاق بررسی شده است. مقاله «تبیین

۱. متوسل آرانی، محمود. (۱۳۹۰). جایگاه نیت در تفاوت بنیادین فقه و اخلاق (با تأکید بر آیات و روایات). پژوهش نامه اخلاق. ش ۱۱.



نقش نیت در ارزش اخلاقی از منظر ملاصدرا^۱ به نقش نیت در ارزش دهی به فعل اخلاقی و نیز فاعل آن از منظر ملاصدرا، پرداخته است و مؤلف مقاله «نقش نیت در ارزش اخلاقی»^۲ با استفاده از مبانی الهیات اسلامی و علم النفس فلسفی، نیت را در دو سطح رفتار جوارحی و افعال جوانحی بررسی کرده است. همچنین مقاله «بررسی دیدگاه‌ها در مفهوم‌شناسی حدیث «نیت المؤمن خیر من عمله»^۳ نویسنده در این مقاله، هشت دیدگاه درباره رابطه نیت و عمل را بررسی کرده و سرانجام بر دیدگاه برتری نیت بر عمل که از آن با عنوان اصالت نیت یاد کرده، تأکید ورزیده است.

درباره نقش نیت در ارزش اخلاقی فعل پژوهش کافی در متون حدیثی صورت نگرفته است. این مقاله در صدد یافتن نقش‌های مختلف اخلاقی نیت نسبت به عمل اخلاقی از منظر متون اسلامی با تأکید بر روایات است. در این راستا و پس از تبیین ماهیت نیت، نقش نیت در فعل اخلاقی را از منظر آیات و روایات بررسی می‌کند و سرانجام پیامدهای حسن نیت را که در روایات ذکر شده است را مورد مذاقه قرار می‌دهد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تعریف لغوی

واژه «نیت» گاه مصدر است که فعل (نوی-ینوی) از آن مشتق می‌شود و گاهی به صورت اسم مصدر به کار می‌رود و از همین رو، در لسان روایات، به صورت جمع، یعنی «نیات» آمده است (معلوف، ۱۳۶۲). «نوی» به معنای تحوّل از جایی به جایی است و نیت که مصدر آن است به معنای آن وجهی است که آن را قصد می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۳۴۷). نیت به معنای قصد است و غالباً در معنای عزم قلب بر امری از امور به کار می‌رود (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۶۳۲). راغب اصفهانی آن را به معنای توجه قلب به سمت عمل است (راغب اصفهانی،

۱. مسعودی، جهانگیر؛ ساری عارفی، معصومه‌سادات. (۱۳۹۷). تبیین نقش نیت در ارزش اخلاقی از منظر ملاصدرا.

فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ش ۷۸.

۲. مصباح، مجتبی. (۱۳۹۱). نقش نیت در ارزش اخلاقی. فصلنامه اخلاق و حیاتی. ش ۲.

۳. کلاتری، علی اکبر. (۱۴۰۰). بررسی دیدگاه‌ها در مفهوم‌شناسی حدیث «نیت المؤمن خیر من عمله» فصلنامه علوم حدیث. ش ۱۰۱.

۱۴۱۲، ص ۸۳۱). اصل این ماده به معنای قصد قلبی باطنی بر فعل است که به زمان کم یا زیاد بر فعل مقدم است و بقیه معانی از مصادیق این اصل است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۳۰۵).
 در زبان فارسی، کلمه «نیت» گاه به معنای اسمی به کار می‌رود و مراد از آن، غایتی است که فاعل آن را در فعل خود در نظر گرفته است در این استعمال «نیت» به معنای مصدری، یعنی نیت کردن نیست، بلکه به معنای «منوی»، یعنی مقصود و هدف است (معین، ۱۳۸۶).

۲.۱. تعریف حقیقی (ماهیت نیت)

انسان یک فاعل مختار است و می‌تواند افعال خود را از جهت انجام دادن یا انجام ندادن مدیریت کند، این کار از طریق دو مبدأ علم و میل یا بینش و گرایش انجام می‌گیرد. از دیدگاه فلسفی، افعال ارادی انسان دارای سه مبدأ یا به قولی چهار مبدأ است که در طول یک‌دیگر و مترتب برهم هستند. «قوه عامله» مبدأ نزدیک و مباشر با افعال است که در عضلات بدن پراکنده و آنها را به حرکت درمی‌آورد. مبدأ دیگر «شوق» است، که پیش از قوه عامله بوده و به اراده و تصمیم منتهی می‌گردد. مبدأ سوم که پیش از مبدأ شوقی وجود دارد، صورت علمی است که ممکن است از طریق تفکر و سنجش سود و زیان حاصل شود و ممکن است از طریق تخیل حاصل شود (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۲۳۷).

در این که جایگاه نیت در میان مبادی عمل کجاست اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را همان «اراده» دانسته‌اند که واسطه میان علم و عمل است، همان عزم به اتیان شیء پس از تصور و تصدیق به فایده آن و حکم به لزوم اتیان آن، حالتی نفسانی که در جمیع افعال اختیاری پس از این امور پیدا می‌شود که از آن تعبیر به همت، تصمیم، عزم، اراده و قصد می‌کنیم (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۶). برخی آن را منشأ اراده دانسته‌اند: نیت به معنای وسیع آن، حرکتی است که از آن اراده نشأت می‌گیرد؛ چه برای تحقیق و چه برای احراز آن (دراز، ۱۴۰۸، ص ۴۲۱).

برخی نیت را انگیزه غیر غریزی برای عمل دانستند که مستقیم یا غیر مستقیم در اراده تأثیر دارد. استاد مصباح یزدی، میل‌های درونی انسان را به دو دسته غریزی و غیر غریزی تقسیم می‌کند.

۱. اگر «اراده» را همان «شوق مؤکد» بدانیم مبادی فعل مرکب از سه مبدأ و اگر مانند علامه طباطبایی اراده را غیر از شوق بدانیم برای فعل چهار مبدأ وجود دارد. «فمبادی الفعل الارادی فینا هی العلم و الشوق و الارادة و القوة العاملة المحركة» (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۷).



کند و انگیزه غیر غریزی را نیت می‌داند. انگیزه‌های غیر غریزی با نوعی شعور و آگاهی همراهند، بر این اساس، اگر مقصود از اراده، اراده آگاهانه باشد به نظر می‌رسد تفاوتی میان نیت و اراده نیست، اما اگر اراده به معنای عام، یعنی مطلق انگیزه فاعل باشد، اعم از نیت است (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۲۱).

برخی معتقدند که نیت مانند نیرو امری برداری و جهت‌دار است. از جهتی از سنخ میل و گرایش است؛ زیرا همواره در جهت خاصی است و از سوی دیگر، مسبوق به دانش و بینش است؛ زیرا گرایش به چیزی که درباره آن هیچ آگاهی وجود نداشته باشد بی‌معناست (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۸۴). با این توصیف، «نیت» برآیندی از میل و آگاهی است و عنصر سومی در عرض یا طول آن دو نیست.

نمی‌توان میل را همان اراده دانست؛ زیرا «میل» جاذبه و کششی است میان انسان و یک عامل خارجی که انسان را به سوی آن شیء خارجی می‌کشاند، ولی اراده به درون مربوط است؛ نه بیرون، یعنی یک رابطه میان انسان و عالم بیرون نیست، بلکه بعد از این‌که انسان اندیشه، محاسبه، دوران‌اندیشی و عاقبت‌اندیشی می‌کند، با عقل خودش مصلحت‌ها و مقصدها را با یک‌دیگر می‌سنجد و بعد از تشخیص اصلح آن را اراده می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۴۸-۴۹).

به اعتقاد آیه الله جوادی آملی تلاشی که نفس برای انجام کاری از خود نشان می‌دهد هم میل و هم اراده است؛ «اراده» مراتبی دارد که یکی از مراتب نازله آن میل به حساب می‌آید و میل نیز مراتبی دارد که بعضی از مراتب عالیه آن را اراده می‌گویند. مرز جدایی انسان از حیوان اراده و میل است. اگر نیروی کشش و تلاش و کوشش تحت رهبری وهم، شهوت و غضب تنظیم شود، میل است و اگر این تلاش و کوشش و جذب را عقل عملی به عهده بگیرد، اراده نام دارد (نک: جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸).

به نظر می‌رسد «نیت»، انگیزه و قصدی است که در تشخیص سود و زیان که حاصل مبدأ اول است، دخالت می‌کند و در عین حال، تحت تأثیر گرایش‌ها نیز هست. فارغ از اختلافی که درباره ماهیت نیت، اراده و میل وجود دارد می‌توان به طور خلاصه نیت را چنین تعریف کرد: «داعی و انگیزه‌ای برآمده از میل و گرایش مبتنی بر بینش و آگاهی که سبب گزینش فعل خاص از میان افعال مشابه و انجام آن می‌شود». همین تعریف از نیت، در ادامه این نوشتار مد نظر است. به تعبیر ساده‌تر، همان تصور ذهنی یا قصد و انگیزه‌ای که سبب اراده انجام یک فعل از میان دو فعل متضاد یا انجام یک فعل از میان صدها فعل مشابه و متناظر می‌شود.

۳.۱. عمل اخلاقی

منظور از «عمل اخلاقی»، اعمال و رفتاری است که با اختیار انجام شده و از نظر آدمی، مقدّس، گرانبمایه و تحسین‌برانگیز باشد؛ به گونه‌ای که هر انسانی در برابر آن اعمال خضوع و احترام می‌کند، هر چند خود نتوانسته باشد به آنها عمل کند (شیروانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰). انسان پاره‌ای افعال را انجام می‌دهد یا می‌تواند انجام دهد که از حدّ فعل طبیعی یا حیوانی که هر حیوانی به حسب طبع و غریزه انجام می‌دهد، بالاتر است. این افعال را افعال انسانی یا اخلاقی می‌نامند. سطح این افعال از سطح افعال یک حیوان بالاتر است. امروزه هم وقتی روی کلمه (انسانی) تکیه می‌کنند، می‌خواهند بگویند یک سلسله کارها است که تنها در سطح انسان صورت می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۱۰-۱۱۱).

تفاوت کار اخلاقی و طبیعی در این است که کار اخلاقی در وجدان هر بشری دارای ارزش است، یعنی یک کار ارزشمند و گرانبه‌است و بشر برای خود این کار قیمت قائل است نه از نوع ارزشی که برای کار یک کارگر قائل است که ارزش مادی به اصطلاح ایجاد می‌کند، بلکه یک نوع ارزش مافوق این ارزش‌ها که با پول و کالای مادی قابل تقویم نیست (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۴).

۲. نیت و عمل اخلاقی

در اغلب مکاتب اخلاقی تنها به عمل اخلاقی پرداخته شده و توجهی به نیت و انگیزه فعل نشده است. مکاتب نتیجه‌گرا اعم از خودگرایان، دیگرگرایان و سودگرایان تنها نتیجه عمل را مهم می‌دانند و انگیزه و قصد از فعل و انجام آن چندان مورد توجه آنان نیست. در میان مکاتب اخلاقی، مکتب وظیفه‌گرایی کانت است که بر عکس نتیجه‌گرایان اساس ارزش اخلاقی عمل را بر قصد و انگیزه فاعل بنا کرده است (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴).

ایمانوئل کانت، معتقد است اگر قانونی اخلاقی بخواهد بدون قید و شرط و به طور کلی الزام آور باشد باید حاوی چیزی باشد که فی نفسه خوب و برترین خوب است. به اعتقاد کانت، محال است که در جهان چیزی را خوب مطلق دانست مگر اراده خوب، بنابراین، باید مصداق خوبی را در درون انسان جست‌وجو کرد، انسان خوب بودن، یعنی نیت و اراده خوب داشتن. این نیت خوب چگونه است؟

پاسخ معروف کانت آن است که تنها انگیزه و اراده‌ای که تنها برآمده از عقل و به خاطر انجام



تکلیف بما هو تکلیف باشد؛ به عبارت دیگر، شخص در صورتی خوب است که تنها انگیزه او برای انجام کاری این باشد که انجام دادن آن کار وظیفه است (کانت، ۱۳۹۴، ص ۲۳-۲۴). این انگیزه باید کاملاً از نفع شخصی یا محاسبه نتایج اعمال، آزاد و رها باشد. انسان دارای اراده خوب تنها بر طبق وظیفه عمل می‌کند و تنها انگیزه‌اش برای انجام فعل همان انجام وظیفه است (پالمر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۴). ارزش اخلاقی یک عمل به دلیلی بستگی دارد که عمل بنا بر آن انجام شده است. کافی نیست عملی با وظیفه‌شناسی سازگار باشد، بلکه باید بنا بر وظیفه انجام شده باشد (هینمن، ۱۳۹۸، ص ۳۴۲). از دیدگاه او عمل برای ادای تکلیف، یعنی عمل به خاطر احترام به قانون اخلاقی تکلیف (کاپلستون، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۲۶).

از دیدگاه کانت، چون «عقل عملی» به دنبال مصلحت است، احکامش همیشه مشروط است، یعنی همیشه به چیزی فرمان می‌دهد به خاطر یک مصلحت، ولی خداوند در درون ما قوه عامل و فرماندهی قرار داده با سلسله‌ای از فرمان‌ها و تکلیف‌ها که از درون ما به ما فرمان اخلاقی می‌دهد. اعتقاد کانت این است که ریشه احکام اخلاقی در خود عقل عملی است یک سری احکام عملی بدیهی که اصول اخلاق را تشکیل می‌دهد و عقل عملی واضح آنها است (کانت، ۱۳۹۴، ص ۵۳). خلاصه اینکه از دیدگاه کانت، فعل اختیاری با دو شرط ارزش اخلاقی دارد، اول آنکه مطابق وظیفه اخلاقی باشد و دوم آنکه به نیت عمل به وظیفه اخلاقی انجام شود. با وجود اینکه نظریه اخلاقی کانت، انسان را از اخلاق مبتنی بر سود و خودمحموری رها می‌کند، از بدو ارائه با نقدهای قابل توجهی نیز روبه رو بوده است.

برنارد ویلیامز از جمله فیلسوفانی است که اخلاق کانت را به ویژه به دلیل نادیده گرفتن ارزش‌های اخلاقی به نقد می‌کشد، او از ادراکات عقلانی که از نظر کانت تنها دلیل برای انجام کار صحیح‌اند به «ادله خارجی» تعبیر می‌کند که قادر به برانگیختن فاعل نیستند؛ زیرا دلیل تنها در صورتی می‌تواند فاعل را به انجام فعل برانگیزاند که در درون خود فاعل باشد مثل میل و علاقه. او این ادله را «ادله درونی» می‌نامد و معتقد است که کانت به دلیل نادیده گرفتن احساسات و بی‌توجهی به شخصیت و انگیزش فرد خطا کرده است (خزاعی، ۱۳۸۹، ص ۵۱).

هینمن معتقد است اگر چه «عمل بنا بر وظیفه» که کانت آن را مهم‌ترین اصل می‌شمارد ستوده است، اما از اشتباهات او نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. یکی از اشتباهات او نادیده گرفتن «انسجام اخلاقی» است. آنچه او فراموش می‌کند نیاز به انسجام اخلاقی برای چیرگی بر شکاف میان وظیفه و میل است.

به نظر می‌رسد هدف اخلاقی ما باید حرکت به سوی نقطه‌ای باشد که اخلاق و میل به هم می‌رسند؛ مسئله دیگری که با نادیده گرفتن انسجام اخلاقی پیوند تنگاتنگ دارد، انکار هر گونه نقش مثبت برای احساسات در زندگی اخلاقی است. انکار نقش مثبت احساسات در زندگی اخلاقی عواقب جدی و ناخوشایند دارد: اول، امکان ایجاد انسجام اخلاقی، یعنی چیرگی یا دست‌کم کاهش تنش میان عقل و عاطفه یا بین وظیفه و میل را برهم می‌زند؛ دوم، سبب نوعی کوتاه‌بینی در زندگی اخلاقی می‌شود؛ زیرا مدرکاتی هستند که تنها از طریق احساس درک می‌شوند؛ سوم، آنچه اغلب در زندگی اخلاقی نیاز است و اکثراً عاطفی است، اگر بتوانیم برای کمک به فردی که در رنج است کاری انجام دهیم دست‌کم می‌توانیم دغدغه رنج او را داشته باشیم و با او همدردی کنیم. اخلاق کانت برای این واکنش‌های عاطفی جایی نمی‌گذارد. مسئله سوم، عدم توجه به پیامدها در زندگی اخلاقی است (هینمن، ۱۳۹۸، ص ۳۸۵-۳۸۲).

از دیگر مکاتب اخلاقی که تئیت و انگیزه فاعل را در عمل اخلاقی محترم می‌شمارد، اخلاق فضیلت^۱ است. اخلاق فضیلت‌گرا به کنش‌گر اخلاقی بیش از کنش اخلاقی توجه می‌کند. عملی اخلاقی است که از یک انسان فضیلت‌مند سر زده باشد. به اعتقاد مایکل اسلوت، ارزیابی از اخلاقی بودن یک رفتار ناشی از ارزیابی انگیزه‌ها و ویژگی‌های منش فاعل آن خواهد بود. فردی طرفدار اخلاق فضیلت محسوب می‌شود که انگیزه و شخص فضیلت‌مند را مهمترین عنصر اخلاق بداند. از دیدگاه او سعادت‌گرایی امری است که بر اساس آن هیچ ویژگی شخصیتی فضیلت شمرده نمی‌شود، مگر زمانی که در خدمت علایق فرد باشد (اسلوت، ۱۳۹۲، ص ۱۶۶). این نگاه به اخلاق فضیلت، با این ادعا تبیین شده که برخی از انگیزه‌ها، بدون آنکه بالفعل موجب سعادت انسان مثلاً موجب تقویت انسان در هدف و یا حتی موجب خیرخواهی گردند، به طور مستقلی ستایش‌آمیز و تحسین‌برانگیز هستند.

در نظام اخلاق اسلامی، قصد و انگیزه فاعل از انجام فعل جایگاه ویژه‌ای دارد، اما نه آنچه کانت به عنوان ارزش تئیت عمل اخلاقی بر می‌شمرد. باید توجه کرد که نیتی که کانت ملاک ارزش قرار می‌دهد علت اطاعت حکم عقل و احترام به قانون است و این چیزی متفاوت با نظر اسلام است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲).

۱. از مؤلفه‌های بسیار مهم اخلاق فضیلت، تئیت و انگیزه است؛ ارسطو عملی را ارزشمند می‌داند که برخاسته از ملکه درونی و تنها به انگیزه اخلاقی بودن انجام شود، هیوم تنها انگیزه را شایسته تحسین دانسته و همه ارزش اعمال را در گرو انگیزه‌های اخلاقی افراد می‌داند (نک: زهرا خزاعی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴-۱۶۷).



۱.۲. حُسن فعلی و فاعلی

اگر موضوع علم اخلاق، فعل مکلف باشد می‌توان حسن و مطلوبیت فعل را از دو جهت بررسی کرد؛ حسن فعلی و حسن فاعلی، منظور از حسن و مطلوبیت فعل، شعاع اثرگذاری مفید عمل در خارج و اجتماع بشری است و منظور از حسن فاعلی، کیفیت صدور فعل از فاعل و شعاع انتساب عمل به فاعل و انگیزه‌های نفسانی و روحی است که موجب عمل شده است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱ ص ۲۹۵). بدیهی است که حسن فعلی و حسن فاعلی ملازم یکدیگر نیستند و می‌توان چهار صورت برای آن در نظر گرفت:

صورت اول اینکه هم فعل خوب و نیک باشد و هم قصد و نیت فاعل نیک و خالص باشد؛ صورت دوم فعل حسن باشد ولی نیت فاعل خالص نباشد مانند کسی که برای شهرت یا کسب ثروت کاری را انجام می‌دهد؛ صورت سوم این‌که فعل قبیح باشد و فاعل قصد و انگیزه نیک داشته باشد مانند کسی که برای حفظ جان انسان بی‌گناه دروغ بگوید و صورت چهارم این‌که فعل و قصد فاعل هر دو قبیح و زشت باشد.

از دیدگاه اسلام آنچه عمل صد در صد اخلاقی و عمل اخلاقی کامل به حساب می‌آید، صورت اول است. نمی‌شود کار ناپسند را «قُرْبَة الی اللّٰه» انجام داد. بنابراین، باید کار شایستگی نزدیک ساختن انسان به خدا را داشته باشد، یعنی حسن فعلی داشته باشد و نیز باید کار از حسن فاعلی برخوردار باشد در این صورت اگر این عمل از هر پیرایه‌ای منزّه باشد، نیت آن بهتر از خود عمل است (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۵).

صورت دوم از دیدگاه اسلام عمل اخلاقی محسوب نمی‌شود گرچه از نظر اجتماعی و منظر تاریخی کاری خیر است. اجتماع و تاریخ به انگیزه‌ها کاری ندارد، همین‌که کار نفعی برای جامعه یا مردم انجام گرفته برای ارزشمندی و خیر بودن آن کافی است. درباره صورت سوم بحث است که اگر کسی چنین کاری را انجام دهد از باب قاعده اهم و مهم می‌تواند مصداق فعل اخلاقی قرار گیرد؟ صورت چهارم روشن است که چنین فعلی هم از دیدگاه دین و هم از دیدگاه جامعه مردود است.

۳. نقش نیت در نظام اخلاقی اسلام

از مهم‌ترین مشخصه‌ها و شاید وجه امتیاز برجسته نظام اخلاقی اسلام، مسئله نیت است. قصد



۴۲

و انگیزه فاعل از انجام عمل نقش مهم و اولی در فعل اخلاقی دارد. به تعبیر دیگر فعل و عمل شخص حتماً باید در جهت رضای خدا انجام گیرد.

۱.۳. نیت در قرآن

واژه نیت در قرآن کریم به کار نرفته است، ولی از جهت و برد آن مکرر سخن گفته است. تعبیراتی مانند اراده آخرت، اراده وجه الله، ابتغاء وجه الله و ابتغاء مرضات الله جهت نیت یا همان قصد و انگیزه فاعل را مشخص می‌کند. چند نمونه از آیات را بررسی می‌کنیم:

«وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (سوره ابراء، آیه ۱۹)؛ و آن کس که سرای آخرت را بطلبد و برای آن کوشش کند درحالی‌که ایمان داشته باشد سعی و تلاش او پاداش داده خواهد شد.

بر اساس این آیه برای رسیدن به سعادت جاویدان سه امر اساسی شرط است: ۱. اراده انسان آن هم اراده‌ای که به حیات ابدی تعلق گیرد نه به لذات زودگذر و نعمت‌های ناپایدار و هدف‌های تنها مادی؛ ۲. این اراده به صورت ضعیف و ناتوان در محیط فکر و اندیشه و روح نباشد بلکه تمام ذرات وجود انسان را به حرکت وادارد؛ ۳. توأم با ایمانی ثابت و استوار باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ص ۶۵).

«فَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره روم، آیه ۳۸)؛ پس حق نزدیکان و مسکینان و درراه‌ماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است و چنین کسانی رستگارند.

وجه خدا، صفات فعلی اوست که ماورای آنها صفات ذاتی قرار دارد. این صفات مبدأ تمامی خیرات عالم است. بنا براین، برگشت اینکه عمل برای وجه الله باشد، به این می‌شود که عمل به این انگیزه از انسان سر بزنند که سبب رضای خدا باشد، یعنی خداست که محبوب ما و رضایتش منظور ماست (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۲۰۴). وجه گاهی به معنای ذات به کار برده می‌شود، ذکر کلمه «وجه» در این آیه و مانند آن متضمن یک نوع تاکید است؛ زیرا هنگامی که گفته شود: «برای ذات خداوند» تاکید آن از «برای خدا» بیشتر است، یعنی حتماً برای خدا باشد و نه دیگری (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۵۴).





«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (سوره بقره، آیه ۲۰۷)؛ و از مردم کسی است که جانش را برای به دست آوردن خشنودی خدا می‌فروشد.

«ابتغاء مرضات» به معنای طلب رضایت و برگشتش به تعبیر «اراده وجه الله» است؛ مرضات خدا از بنده مکلفی که به تکلیف عمل کرده همان وجه خدا به طرف اوست، در نتیجه، ابتغای مرضات او یا به دست آوردن خشنودی او در حقیقت خواستن وجه اوست (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۹۹).

«وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسِكُمْ وَ مَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ (سوره بقره، آیه ۲۷۲)؛ و آنچه را از خوبیها و اموال انفاق می‌کنید، برای خودتان است ولی جز برای رضای خدا، انفاق نکنید!»

«وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ (سوره لیل، آیه ۱۹-۲۰)؛ و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد به این وسیله او را جزا دهد * بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست»

در این دو آیه شریفه، هدف از انفاق و بخشش مال «ابتغاء وجه الله» دانسته شده است.

۲.۳. نیت در روایات

روایات زیادی از ائمه معصومین (ع) درباره نیت و قصد فاعل نقل شده است. این روایات به قدری است که باب مستقلی تحت عنوان نیت یا اخلاص در کتب روایی به خود اختصاص داده است. در کتاب بحارالانوار، روایات زیادی در باب ۵۳ از کتاب ایمان و کفر درباره نیت آمده است که همه آنها دلالت بر اهمیت و اصالت نیت و قصد فاعل از نظر قوانین اسلام دلالت می‌کنند.

آنچه مقصود این نوشتار است، روایاتی است که رابطه میان فعل و نیت را بیان می‌کنند. این رابطه در روایات مختلف به وجوه گوناگون تبیین شده است. نمونه‌هایی را بررسی می‌کنیم:

امام سجاد (ع) می‌فرماید: «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۴). این روایت نیت را از مقومات عمل دانسته است؛ بدین معنا که هر فعلی که انجام می‌شود نمی‌تواند از قصد و انگیزه فاعل خالی باشد. نیتی که احادیث نبوی بر صحت آن گواهی می‌دهند و به دنبال آن جزای ثواب یا عقاب می‌آید، عملی قلبی و یک تصمیم قاطع جهت انجام کار است، نیت، تداعی محض نیست که برای لحظه‌ای بر قلب عارض شود و زود از بین برود (قرضاوی، ۱۳۷۹، ص ۳۱).

روایت دوم، این سخن پیامبر اکرم (ص) است که نیت را از خود عمل برتر می‌داند:

«يَبِّئَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَبَيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَكُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۹۸).

علامه مجلسی ذیل این حدیث برای برتری نیت بر عمل دوازده وجه برمی‌شمارد، سپس نظر تحقیقی خود را توضیح می‌دهد. از نظر او اشکالات و اختلاف تعابیر ناشی از عدم تحقیق معنای صحیح نیت است. او می‌نویسد: تفسیر نیت به تصور غرض یا غایت و خطور ذهنی نادرست است؛ زیرا نیت تابع حالت نفسانی است و قبول و رد و درجات کمال آن نیز مربوط به حالت نفسانی است (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۸۹-۱۹۳).

نیت، انبعاث و پرش روح است اگر انسان از طبیعت پر کشید و بالا آمد می‌گویند نیت کرده و گرنه اخطار حصولی و مفهوم ذهنی است. نیت که همان قصد قربت است جان و روح عمل بوده و از خود عمل بالاتر و مهم‌تر است؛ چون حیات و زندگی عمل به نیت بستگی دارد و پاداش اعمال بر اساس نوع نیت و قصد انسان مراتبی گوناگون دارد. دو اصل دینی «نیت المؤمن خیر من عمله» و «افضل الاعمال أحمرها» را وقتی کنار هم قرار دهیم نتیجه می‌شود که نیت بسیار مشکل است. اگر بهترین عمل دشوارترین اعمال باشد، نیت بهتر از عمل است؛ زیرا «احمز الاعمال»، یعنی از همه اعمال سنگین‌تر و مشکل‌تر است (نک: جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۷۳-۷۴).

روایت سوم از امام صادق (ع) است که در یک سخن ابتدا نیت را برتر از عمل و سپس نیت و عمل را واحد دانسته است. ایشان در تفسیر آیه «لَيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (سوره ملک، آیه ۲) فرموده است: «وَالنِّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ، أَلَا وَإِنَّ النِّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶). امام خمینی (ره) نیت را صورت فعلی و جنبه ملکوتی عمل دانسته است. ایشان با نوعی تبیین منطقی و با استفاده از این قاعده عقلی که «شیئیت شیء به صورت آن است»، نیت را فصل محصل عمل دانسته است. ایشان می‌نویسد:

در علوم عقلی مقرر است که شیئیت شیء به صورت آن است نه ماده آن، بلکه تحدید به فصل حد تام است و به جنس و فصل ناقص است؛ زیرا اختلاط به غریب و اجانب مضر به حقیقت و تعریف و تمامیت آن است. ماده و جنس نسبت به حقیقت شیء که همان فصل است از غریب و اجانب است. پس تمام حقیقت اعمال همان صورت اعمال و جنبه ملکوتیه آنها است که نیت است. صحت و فساد و کمال و نقص اعمال تابع کمال و نقص نیت است چنانچه عمل واحد به واسطه نیت گاهی تعظیم و گاهی توهین است و گاهی تام و گاهی ناقص است و گاهی از سنخ ملکوت اعلی و



۴۵

دارای صورت زیبا و گاهی از ملکوت اسفل و دارای صورت موحش است»
(امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۱-۳۳۲).

به تعبیر ایشان، حد تام و تعریف حقیقی هر چیز بر خلاف مشهور که متشکل از جنس و فصل است، تنها با فصل تحقق پیدا می‌کند؛ زیرا اگر جنس و ماده در تعریف به همراه فصل لحاظ شود فصل محصل از خلوص و دلالت تام بر معرف خارج می‌شود.

ایشان با استناد به مطالب پیش گفته دوگانگی رابطه نیت و عمل در روایت را این گونه توضیح می‌دهد: امام صادق (ع) در این حدیث شریف ابتدا با نظر به صورت اعمال و مواد آنها، جزء صوری را افضل از جزء مادی دانسته و فرموده است: «نیت افضل از عمل است». در مرتبه دوم، با نظر به فنای عمل در نیت و ملک در ملکوت و مظهر در ظاهر فرموده است: عمل همان نیت است و غیر نیت چیزی نیست. تمام اعمال در نیات فانی هستند و از خود استقلالی ندارند (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۲).

بررسی روایات که نمونه‌ای از آنها ذکر شد نشان می‌دهد که رابطه نیت با عمل اخلاقی یا به تعبیر دیگر ارزش و تأثیر نیت در یک فعل اخلاقی یک مسئله تشکیکی و دارای مراتب است. چنانکه روایت اول از روایات مذکور اصل نقش نیت را بیان می‌کند. گویا امام سجاد (ع) در صدد بیان ارزش نیت است. می‌توان این روایت را در مقابل نظریه نتیجه‌گرایان دانست که تنها پیامد فعل را مهم شمرده و بر انگیزه و قصد فاعل و قعی نمی‌نهند. روایت بعدی در مقایسه میان نیت و اصل فعل، نیت و قصد فاعل را برتر از عمل دانسته و در صدد بیان مرتبه برتر و بالاتری از نیت است. سرانجام روایت سوم، از مرتبه فراتر بودن انگیزه فاعل شروع و به مرتبه «اصالت نیت» منتهی شده است.

به نظر می‌رسد اگر نیت و انگیزه فاعل را امری وجودی بدانیم که منشأ اراده و عزم بوده و نقش نیروی محرک، شتاب‌دهنده و جهت‌دهنده را در فاعلیت فاعل ایفا می‌کند، می‌توان آن را حقیقتی تشکیکی دانست. استاد جوادی آملی در شرح حکمت متعالیه، برای تشکیک، تحقق چهار رکن را لازم می‌داند: وجود وحدت حقیقی وجود کثرت حقیقی، ظهور وحدت حقیقی در کثرات و بازگشت کثرت به وحدت (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۶، بخش یک از ج ۶، ص ۱۲۲).

با توجه به روایات پیش گفته، اگر نیت را به عنوان یک شیء لحاظ کنیم، می‌توان گفت: نیت امری واحد است که مرتبه ضعیف آن، همان وجود حقیقی است که بدون آن فعلی صورت نمی‌گیرد. این حقیقت در تمام مراتب نیت موجود است. اتحاد با عمل، فراتر از عمل و اصالت نیت و

مراتب دیگر که در ادامه، از آن سخن خواهیم گفت به ترتیب، درجات قوی‌تر و شدیدتر نیت را تشکیل می‌دهند، از طرفی همه این مراتب به اصل حقیقی وجود انگیزه و قصد فاعل بازگشت می‌کند. تحقق ارکان تشکیک، موجب می‌شود که نیت را امری تشکیکی بدانیم. روایت ذیل از پیامبر اکرم (ص) می‌تواند این مطلب را تأیید کند:

«لَا يُقْبَلُ قَوْلٌ إِلَّا بِعَمَلٍ وَلَا يُقْبَلُ قَوْلٌ وَلَا يُقْبَلُ قَوْلٌ وَلَا يُقْبَلُ قَوْلٌ وَلَا يُقْبَلُ قَوْلٌ وَلَا يُقْبَلُ قَوْلٌ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ؛ هیچ گفتاری جز به همراه کردار پذیرفته نمی‌شود و هیچ گفتار و کرداری جز به همراهی نیت پذیرفته نمی‌شود و گفتار و کردار و نیت جز بر اساس سنت پذیرفته نمی‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱ ص ۳۹۶).

می‌توان گفت افزون بر این که درجات و مراتب نیت در مردم متعدد و بی‌شمار است، هر انسانی در حالات مختلف و متفاوت نیت‌های مختلف و متفاوت دارد که برخی از آنها موجب فساد و بطلان عمل و بعضی موجب صحت و درستی آن و پاره‌ای موجب کمال و ترقی آن است.

لازم به توضیح است که در روایات، مرتبه ارزشی نیت به همین جا بسنده نمی‌شود، بلکه روایاتی داریم که درجه نیت را چنان بالا می‌برد که با وجود نیت صحیح گویا عمل نیز انجام شده است، مانند این دو روایت از پیامبر (ص):

مَنْ طَلَبَ الشَّهَادَةَ صَادِقاً أُعْطِيَهَا وَ لَوْ لَمْ تُصِبْهُ؛ هر که برآستی خواهان شهادت باشد، [ثواب آن] به او داده می‌شود، هر چند به شهادت نرسد (نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۱۷).
مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَيَّ فَرَأَيْتَهُ؛ هر کس صادقانه از خداوند شهادت بخواهد، خداوند او را به مقام شهیدان می‌رساند، هر چند در بستر بمیرد (محمدی ری شهری، ۱۳۹۵، ج ۶، ص ۶۸).

این دو روایت، دلالت می‌کند اگر کسی واقعاً و از سوادای قلب خواستار فعلی باشد، اگر حتی در عالم خارج موفق به تحقق آن نشود از پاداش انجام آن عمل برخوردار می‌شود. آنچه در اسلام اهمیت دارد جنبه باطنی و حقیقی عمل است که ارزش و قبولی اعمال به آن بستگی دارد (مهدوی کتی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱).

۳.۳. فعل بودن نیت

افعال ارادی انسان، گاهی بیرونی و گاهی درونی است، به افعالی که در خارج و بیرون از انسان



توسط اعضا و جوارح او صورت می‌گیرد «افعال جوارحی» و به اعتقادات و التزامات قلبی که در درون انسان ایجاد شده و از نفس و قلب انسان صادر می‌شوند «اعمال جوانحی» اطلاق می‌شود. بر این اساس، نیت از افعال جوانحی است.

با تحلیلی دقیق‌تر و عمیق‌تر، نیت در واقع، خود نوعی انتخاب آگاهانه است و در حیطه رفتارهای اختیاری انسان واقع می‌شود، از این‌رو، نمی‌توان دامنه افعال اختیاری انسان را محدود به رفتارهای بیرونی و جوارحی دانست. به تعبیر دیگر اگر فعل را به معنای عام آن در نظر بگیریم که شامل افعال درونی و جوانحی نیز بشود، نیت امری در برابر فعل نیست، بلکه خودش نوعی فعل اختیاری است (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۹۱-۹۲).

قرآن کریم نیز اعمال جوانحی مانند «ایمان» را با لحن تکلیف و تشریح بیان کرده و در قبال آنها پاداش و ثواب قائل شده است. برای نمونه، به یک آیه اشاره می‌کنیم:

آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (سوره حدید، آیه ۷)؛ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده خود در آن قرار داده انفاق کنید؛ زیرا کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند.

در این آیه شریفه، اجر کبیر، همانند انفاق، ایمان نیز اختصاص داده شده و اختصاص اجر و پاداش به ایمان که از افعال جوانحی است، مؤید اختیاری بودن آنهاست.

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خداوند مردم را در روز قیامت طبق نیت‌هایشان محسور می‌کند» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۰۹). از این حدیث شریف نیز روشن می‌شود که عنوان و پیکره عمل بدون نیت ثمربخش نیست و از بین می‌رود و آنچه به درد می‌خورد روح و جان عمل (نیت) است. مؤمنان و شیعیان به جهت نیت پاک و خالص به اولیای خود ملحق شده و در صورت لغزش و خطا، شفاعت آنان را ملحق می‌کند و معاندان دین نیز به اولیای خود ملحق می‌شوند گرچه پیکره کردارشان دارای ابهت و عظمت باشد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۳، ج ۹، ص ۳۰۹).

۳.۴. ویژگی‌های نیت

در روایات، صفات و ویژگی‌هایی برای نیت آمده است. برخی از این صفات در راستای اصلاح

انگیزه و قصد فاعل و برخی صفات در جهت تبیین انگیزه‌های نادرست و ناشایسته است. به تعبیر دیگر برخی صفات قیده‌های احترازی هستند برای هشدار به فاعل‌ها که از چنین قصدهایی خودداری کنند.

مهم‌ترین ویژگی مثبت، اخلاص است به معنای پاکیزه ساختن عمل از اینکه غیر خدا در آن راه داشته باشد؛ اعم از اینکه شائبه رضای خود یا رضای دیگری در آن باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶). از جمله صفات ایجابی دیگر برای نیت که در روایات آمده است، صدق (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۳۱)، حُسن، (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۴)، صلاح (نک: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۸۴)، احسان (نک: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۸) و صِحّت (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۳) است. در مقابل، صفاتِ ضعف (نک: علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۳۵۶)، سوء (نک: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۹۲) و فساد (نک: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۹۲، ۳۲۳، ۴۵۶) از جمله صفات سلبی هستند که درباره نیت در احادیث وارده از ائمه اطهار (ع) به آن تصریح شده است.



۳.۵. کارکردهای نیت

پس از بررسی ارزش اخلاقی نیت از منظر متون اسلامی، پرسش جدیدی که ذهن را به خود مشغول می‌کند این است که آیا نقش و تأثیر نیت، تنها در فعل خاص متعلق به آن است یا ممکن است دستاوردها و پیامدهای دیگری نیز به دنبال داشته باشد؟ بررسی روایات نقش حسن و صدق نیت در آینده پیش روی فاعل اخلاقی را تأیید می‌کند، ظهور این تأثیرات، برخی در زندگی فردی و برخی در اجتماع است. بر اساس روایات، «توسعه و فراوانی رزق» یکی از نتایج نیت و انگیزه است و در همین رابطه، امام صادق (ع) فرمودند: «مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتَهُ زَادَ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۶۱) همچنین ایشان در سخن دیگری می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الذَّنْبَ فَيُحْرَمُ رِزْقَهُ» (همان، ص ۱۱۶).

خداوند در قرآن کریم گشادگی و تنگی روزی را تابع خواست و مشیت خداوند متعال دانسته است (نک: سوره اسراء، آیه ۳۰) و از آنجا که مشیت الهی همواره بر اساس حکمت الهی و شایستگی های افراد تحقق پیدا می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که حسن نیت و سوء نیت دست‌کم یکی از زمینه‌های سعه و ضیق رزق است.

از دیگر دستاوردها که در روایات به آن اشاره شده سلامت قلب است: برای نمونه، امام صادق (ع) با استشهاد به آیه ۸۹ سوره شعرا «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» می‌فرماید: «صَاحِبُ النَّبِيَّةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمَحْدُورَاتِ بِتَخْلِيصِ النَّبِيَّةِ لِلَّهِ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا» (مصباح الشریعه، ص ۵۳). آنها که نیت درست و صادق دارند، دل‌های صحیح و سالمی هم دارند؛ زیرا سلامت قلب از وسوسه‌ها و دوری از افکار و اندیشه‌های زشت، محصول خلوص نیت انسان برای خداوند متعال در تمامی کارهای خیر است.

از نتایج دیگر که مربوط به صاحب نیت است، یاری و کمک خداوند است. از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «إِنَّمَا قَدَّرَ اللَّهُ عَوْنَ الْعِبَادِ عَلَى قَدْرِ نِيَّاتِهِمْ فَمَنْ صَحَّحَتْ نِيَّتُهُ تَمَّ عَوْنُ اللَّهِ لَهُ وَ مَنْ قَصَّرَتْ نِيَّتُهُ قَصَرَ عَنْهُ الْعَوْنُ بِقَدْرِ الَّذِي قَصَرَ» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۱۱). خداوند به اندازه نیت بندگان به آنها کمک می‌کند، هر کس نیت او درست باشد کمک و مساعدت خدا هم درباره او کامل و تمام است و هر کس در نیت ضعیف باشد کمک خداوند هم به همان اندازه درباره او ضعیف خواهد بود.

همچنین حُسن خلق، عدم احتساب در زمره غافلان و مصونیت از غلبه نفس و امیال نفسانی از تأثیرات نیت خوب و صالح دانسته شده است. (نک: عطاردی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۹). از دیگر آثار نیت قوی، بدن قوی و نیرومند است، گویا هر چه نیت که روح فعل است از خلوص بیشتری برخوردار بوده و تنها در راستای رضایت و تقرب الهی باشد، فعل هم صورت کامل‌تر و تمام‌تر می‌گیرد. در همین رابطه، امام صادق (ع) فرمودند: «مَا ضَعُفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتُ عَلَيْهِ النَّبِيَّةَ (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸)؛ هیچ‌گاه بدن به موجب داشتن نیت قوی و بلند ضعیف و ناتوان نخواهد بود.»

چون عمل ظاهری و صوری به لحاظ وجود و عدم تابع قصد قلبی است، از نظر قوت و ضعف نیز چنین است؛ اگر نیت و قصد محکم و قوی باشد بدن ضعیف و ناتوان قادر بر کار مهم است و چنانچه نیت ضعیف باشد بدن نیرومند به ضعف می‌گراید پس ارزش وجودی انسان به نیت اوست (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۷۴).

انسان‌هایی که در پرتو نیت قوی، دارای افعال قوی و کارآمد شده‌اند می‌توانند افزون بر انجام کارهای مهم در نفوس دیگر انسان‌ها تأثیر گذاشته و آنها را تقویت کنند. در هر جامعه آثاری که به وجود می‌آید معلول تأثیر همه افراد آن جامعه است و هر فردی به نوبه خود در ایجاد آن آثار مؤثر است. این معنای تأثیر فرد در جامعه به معنای مشارکت همه افراد

جامعه در انجام دادن کارهای اجتماعی یک مطلب مُسلم و غیر قابل انکار است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۵). انگیزه‌های قوی، افراد را قوی کرده، نیرومندی فردی به تدریج تبدیل به قدرت جمعی می‌شود، در نتیجه جامعه‌ای قوی و نیرومند شکل می‌گیرد.

جهت دیگر تأثیر فرد در جامعه این است که بعضی از افراد جامعه که اقلیت را تشکیل می‌دهند به موجب ویژگی‌هایی که دارند در دیگر افراد، که اکثریت را می‌سازند، مؤثر می‌افتند و خطّ مشی، اوضاع و احوال آنان را دگرگون می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۶). از این جهت، افعال انسان‌های قوی مانند نور و عطر است که دیگران نیز از پرتو آن فیض می‌برند و مشام را معطر می‌کنند و می‌توانند مسیر، جهت و وضع موجود جامعه را تغییر دهند. شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در پرتو رهبری نفس زکیه و مطمئن امام خمینی (ره) که تنها تیت و هدف ایشان «ابتغاء مرضات الله» بود از مصادیق این تأثیرگذاری است. بسیار دیده شده زندگی یک انسان وارسته در میان جامعه کوچک یا بزرگ بر دیگران اثر مثبت گذاشته و منجر به زنگی خوب و اخلاقی افراد آن جامعه شده است.



نتیجه‌گیری

این نوشتار، تیت را در متون اسلامی طی چند گام بررسی کرده است. گام اول به تبیین مفهوم تیت اختصاص دارد. واژه تیت به معنای قصد قلبی و باطنی بر فعل و مقدم بر فعل است. انسان فاعل مختار است و می‌تواند افعال خود را از طریق دو مبدأ علم و میل یا بینش و گرایش مدیریت کند. افعال ارادی انسان از سه مبدأ طولی و مترتب بر هم علم، شوق و اراده برخوردار است. این‌که جایگاه تیت در میان مبادی عمل کجاست اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را همان اراده، برخی آن را منشأ اراده و برخی انگیزه غیر غریزی برای عمل دانسته‌اند برخی نیز معتقدند تیت کمپیتی دوسویه از سنخ میل و گرایش و مسبوق به دانش و بینش است.

در گام دوم، به برخی مکاتب اخلاقی که ارزش اخلاقی عمل را مبتنی بر قصد و تیت فاعل بنا کرده‌اند اشاره گذرا کرده است. مکتب وظیفه‌گرایی کانت و اخلاق فضیلت از این جمله‌اند. از دیدگاه کانت، فعل اختیاری با دو شرط ارزش اخلاقی دارد، اول آن‌که مطابق وظیفه اخلاقی باشد و دوم آن‌که به تیت عمل به وظیفه اخلاقی انجام شود. طرفداران اخلاق فضیلت نیز اخلاقی بودن یک رفتار را ناشی از ارزیابی انگیزه‌ها و منش فاعل دانسته‌اند. گام بعدی به بررسی تیت در اسلام

پرداخته و آن را از منظر قرآن و روایات و اندیشمندان مسلمان مورد مذاقه قرار داده است. از مهم‌ترین مشخصه‌ها و شاید وجه امتیاز برجسته نظام اخلاقی اسلام، مسئله نیت است. قصد و انگیزه فاعل از انجام عمل نقش مهم و اولی در فعل اخلاقی دارد. از دیدگاه اسلام فعلی صد در صد اخلاقی و عمل اخلاقی کامل به حساب می‌آید که هم از حسن فعلی و هم از حسن فاعلی برخوردار باشد. واژه نیت در قرآن کریم به کار نرفته است ولی از جهت و برد آن مکرر سخن گفته شده است. تعبیراتی مانند اراده آخرت، اراده وجه الله، ابتغاء وجه الله و ابتغاء مرضات الله، جهت نیت یا همان قصد و انگیزه فاعل را مشخص می‌کند.

روایات زیادی درباره نیت وجود دارد که نشان از اهمیت مسئله دارد. روایاتی که به رابطه میان فعل و نیت پرداخته‌اند، برخی بر ارزش و اهمیت نیت، برخی بر برتری نیت بر عمل و برخی بر اصالت نیت دلالت دارند. از این جهت می‌توان نیت را امری وجودی و حقیقتی تشکیکی دانست که از مراتب مختلف برخوردار است و نهایت مرتبه آن خلوص آن از شائبه غیر خداست که در این صورت روح عمل بوده و اصالت را از آن خود می‌کند. همچنین در روایات، صفات و ویژگی‌هایی برای نیت آمده است که برخی ایجابی و در راستای اصلاح انگیزه و قصد فاعل و برخی سلبی و در جهت پرهیز از انگیزه‌های نادرست و ناشایسته است.

با تحلیلی عمیق‌تر اگر فعل را به معنای عام دانستیم که شامل افعال درونی و جوانحی نیز باشد نیت که خود نوعی انتخاب آگاهانه است امری نه در برابر فعل، بلکه خودش نوعی فعل اختیاری است. گام نهایی به بیان برخی دستاوردهای حسن نیت که در روایات بیان شده بود پرداخته است. توسعه و فراوانی رزق، سلامت قلب، کمک و مساعدت خدا از نتایج نیت صحیح دانسته شده است. مراتب شدید نیت، قوت بدنی و توان انجام کارهای مهم را به دنبال دارد، از این جهت انگیزه‌های قوی، سبب قوت و نیرومندی افراد شده، نیرومندی فردی کم‌کم تبدیل به قدرت جمعی می‌شود، در نتیجه جامعه‌ای قوی و نیرومند شکل می‌گیرد.

فهرست منابع

ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۶). الأمالی. تهران: کتابچی.
 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). مقایس اللغة. (ج ۵). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. (ج ۱۵). بیروت: دار الفکر.

اسلوت، مایکل. (۱۳۹۲). اخلاق فضیلت. (ترجمه: وحید سهرابی فر). فصلنامه علمی تخصصی هفت آسمان، ۱۵(۵۹)، ۱۶۴-۱۸۲.

برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). المحاسن. (ج ۱) (محقق / مصحح: جلال الدین محدث). قم: دارالکتب الإسلامیة.

پالمر، مایکل. (۱۳۸۹). مسائل اخلاقی. (ترجمه: علیرضا آل بویه). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتب الإسلامیة.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). مراحل اخلاق در قرآن. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). حکمت عبادات. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). ریح مختوم شرح حکمت متعالیه. (ج ۶). قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). مبادئ اخلاق در قرآن. قم: اسراء.

حسینی طهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۳). معادشناسی. (ج ۹). مشهد: نور ملکوت قرآن.

خزاعی، زهرا (۱۳۸۴). قدیسان اخلاقی. فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی. ۶(۴)، ۱۴۴.

دراز، محمد عبدالله. (۱۴۰۸). دستور الاخلاق فی القرآن. (تحقیق: عبدالصبور شاهین). بیروت: دارالبحوث العلمیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.

السعیدان ولید بن راشد. (بی تا). رساله فی تحقیق قواعد النیة. بی جا.

شیروانی، علی (۱۳۷۹). اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن. قم: دار الفکر.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (علامه طباطبایی). (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن. (ج ۲ و ج ۲۰). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (علامه طباطبایی). (۱۴۱۷). نهاية الحکمة. (تحقیق و تعلیق: عباسعلی زارعی سبزواری) قم: مؤسسه نشر اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی). (۱۴۱۴). الامالی. (ج ۱). قم: دارالثقافة.

عطاردی، عزیزالله. (۱۳۷۸). ایمان و کفر. تهران: عطارد.

فیومی، احمدبن محمد (بی تا) المصباح المنیر. (ج ۲). قم: دارالهجره.

قرضاوی، یوسف. (۱۳۷۹). تبت و اخلاص. (ترجمه: عمر قادری). قم: احسان.

کاپلستون، فردریک. (۱۳۷۵). تاریخ فلسفه. (ج ۶). (ترجمه: اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر). تهران: شرکت علمی فرهنگی سروش.



- کانت، ایمانوئل. (۱۳۹۴). بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق. (ترجمه: حمید عنایت و علی قیصری). تهران: خوارزمی.
- کلاتری، علی اکبر. (۱۴۰۰). بررسی دیدگاه‌ها در مفهوم‌شناسی حدیث «نیه المؤمن خیر من عمله». فصلنامه علوم حدیث. ۲۶(۳)، ۷۲-۹۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. (ج ۲). تهران: انتشارات الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (علامه مجلسی). (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. (ج ۳۲ و ج ۶۷). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدری شهری، محمد. (۱۳۹۵). میزان الحکمه. (ج ۶). قم: دارالحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۶). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (بی تا). کلمه حول فلسفه الاخلاق. قم: انتشارات در راه حق.
- مصباح، مجتبی. (۱۳۹۱). نقش تبت در ارزش اخلاقی. فصلنامه اخلاق و حیاتی، ۲(۱)، ۸۱.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. (ج ۱۲). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). فلسفه اخلاق. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار. (ج ۱). تهران: صدرا.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۶۲). المنجد. قم: نشر اسماعیلیان.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۶۱). تفسیر نمونه. (ج ۲ و ج ۱۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم (ع). (۱۴۰۰). مصباح الشریعة. بیروت: نشر اعلمی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام خمینی). (۱۳۷۶). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام خمینی). (۱۳۷۳). آداب نماز. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). اخلاق عملی. قم: مسجد مقدس جمکران.
- نیشابوری، مُسَلَّم بن حجاج. (۱۴۱۲). صحیح مسلم. (ج ۳). قاهره: دارالحدیث.
- هینمن، لارنس. (۱۳۹۸). اخلاق، رویکردی کثرت‌گرایانه به نظریه اخلاق. (ترجمه: میثم غلامی و همکاران). تهران: نشر کرگدن.